

فهرست مطالب

۱- طراحی و جرم.....	۷
۱- طراحی و جرم.....	۹
۱-۱ حقایقی در مورد جرم و جنایت.....	۹
۱-۲ ترس از جرم و جنایت.....	۱۱
۱-۳ تأثیر طراحی بر جنایت و جنایت.....	۱۳
۱-۴ جابه‌جایی جنایت و جنایت.....	۱۴
۱-۵ رویکردهای سنتی برای پیشگیری از وقوع جرم.....	۱۵
۱-۶ طراحی و پیشگیری از جرم: یک رویکرد گسترده‌تر.....	۱۶
منابع.....	۱۷
منابع جهت مطالعه بیشتر.....	۱۷
۲- تئوری‌های طراحی امنیتی.....	۱۹
۲- تئوری‌های طراحی امنیتی.....	۲۱
۲-۱ کنترل اجتماعی.....	۲۱
۲-۲ محصور کردن/کنترل دسترسی.....	۲۲
۲-۳ عدالت کیفری.....	۲۲
۲-۴ فضای قابل دفاع.....	۲۲
۲-۵ بحث فعلی.....	۲۴
۲-۶ اصول، راهنمای طراحی نیست.....	۲۵
منابع.....	۲۵
۳- شش اصل.....	۲۷
۳- شش اصل.....	۲۹
۳-۱ نظارت.....	۲۹
۳-۲ محله‌ها.....	۳۱
۳-۳ اماکن عمومی و خصوصی.....	۳۲
۳-۴ اماکن عمومی و خصوصی.....	۳۳
۳-۵ مخفیگاه‌های بالقوه.....	۳۳
۳-۶ رویکردهای مشارکتی.....	۳۴
منابع.....	۳۶
۴- فرایند ارزیابی - املاک موجود.....	۳۷
۴- فرایند ارزیابی - املاک موجود.....	۳۹
۴-۱ کمیته‌های راهبری پروژه.....	۳۹

فهرست مطالب

۴۱	۲-۴ مشاوره.....
۴۲	۳-۴ پژوهش.....
۴۲	۴-۴ بررسی‌های فیزیکی.....
۴۳	۵-۴ پیشنهادها.....
۴۳	۶-۴ اولویت‌ها.....
۴۴	۷-۴ مطالعه موردی فرایند ارزیابی.....
۴۵	منابع.....
۴۵	منابع جهت مطالعه بیشتر.....
۴۷	۵- فرایند طراحی - محل.....
۴۹	۵- فرایند طراحی - محل.....
۴۹	۱-۵ فضای باز عمومی.....
۵۰	۲-۵ مسیرهای پیاده‌رو.....
۵۲	۳-۵ پارکینگ خودرو.....
۵۳	۴-۵ روشنایی خارجی.....
۵۴	۵-۵ محوطه‌سازی.....
۵۷	۶-۵ مطالعه موردی فرایند طراحی.....
۵۸	منابع جهت مطالعه بیشتر.....
۵۹	۶- فرایند طراحی - آپارتمان.....
۶۱	۱-۶ فضای اشتراکی در داخل ساختمان‌ها.....
۶۲	۲-۶ درب بازکن‌های ورودی.....
۶۲	۳-۶ تلویزیون مدار بسته.....
۶۴	۴-۶ نمونه‌هایی از سیستم‌های یکپارچه پذیرش‌گران/فناوری.....
۶۷	منابع جهت مطالعه بیشتر.....
۶۹	۷- فرایند طراحی - خانه‌ها.....
۷۱	۱-۷ چیدمان.....
۷۲	۲-۷ فضای خصوصی.....
۷۴	۳-۷ واحدهای مسکونی انفرادی.....
۷۷	۴-۷ سخت‌شوندگی هدف.....
۷۸	۵-۷ مطالعه موردی از فرایند طراحی.....
۸۰	منابع جهت مطالعه بیشتر.....
۸۱	۸- فرایند ساخت‌وساز.....

فهرست مطالب

۸-۱	برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی کار	۸۳
۸-۲	مشخصات و کنترل کیفیت	۸۴
۸-۳	امنیت و ایمنی محل	۸۴
۸-۴	تحویل و ارزیابی	۸۵
۸۸	ویدئوها	۸۸
۹-۱	کتاب‌شناسی	۸۹
۹۱	کتاب‌ها	۹۱

۱- طراحی و جرم

در سال‌های اخیر بسیاری از پیمایش‌های خانوار که در مورد سنجش مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی در سطوح ملی و محلی انجام شده‌اند، «جرم» را به عنوان یکی از نگرانی‌های اصلی شناسایی کرده‌اند. مطالعه اخیر «کیفیت زندگی» که توسط دانشگاه گلاسکو (Rogers و همکاران، ۱۹۸۹) صورت گرفت، نتایج نشان داد که "سطح پایین جرم" مطلوب‌ترین عامل محیطی است که توسط عموم مردم درک می‌شود. دومین مطالعه جرایم منطقه Islington لندن (دانشکده صنعتی Middlesex، ۱۹۹۰) نشان داد که در سه سال پس از اولین مطالعه، جرم و جنایت از رتبه سوم به بالای لیست مشکلات شناسایی شده به عنوان تأثیرگذار بر محله صعود کرده است. ۸۰ درصد از مردم به آن اشاره کردند، در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۶ به میزان ۷۱ درصد بود.

ارتباط بین سطوح جرم و جنایت و طراحی مسکن نیز موضوع بحث و تحقیق بسیاری بوده است. وقتی به دنبال پاسخ‌های ساده‌ای برای جرم و جنایت و مشکلات اجتماعی می‌گردیم، بدون در نظر گرفتن سایر بازی‌گردان‌هایی چون شیوه مدیریت مسکن، ترکیبی از اجاره‌نشینی، سطوح محلی بیکاری و امکانات اجتماعی موجود، به راحتی می‌توان طراحی را مقصر دانست. با این وجود هیچ مدرک قطعی برای اثبات این که طراحی عامل اصلی ایجاد یا حل مشکلات نظم و قانون است وجود ندارد. طراحی به خودی خود باعث جرم و جنایت یا مجرم شدن افراد نمی‌شود. با این حال، برخی از ویژگی‌های طراحی به نظر می‌رسد که مشکلات جرم محلی را تشدید می‌کنند، اگرچه ویژگی‌های یکسان در موقعیت‌های مختلف ممکن است اثر یکسانی نداشته باشند.

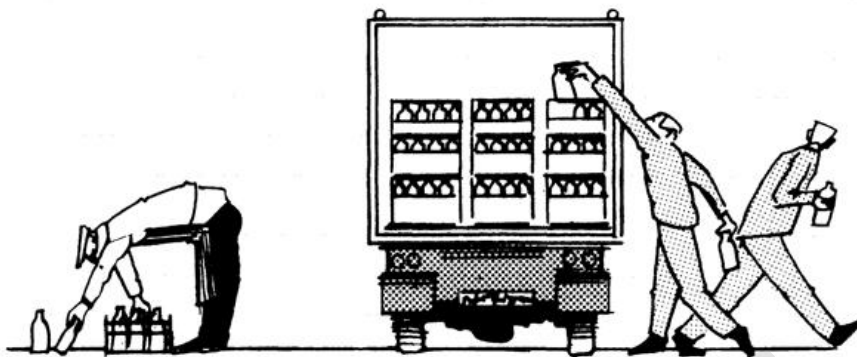
۱-۱ حقایق در مورد جرم و جنایت

گرچه جنایت یا ترس از جنایت می‌تواند تأثیری دراماتیک و ویرانگر بر زندگی روزمره مردم داشته باشد، عموم مردم اغلب درک اغراق‌آمیز و نادرستی از ماهیت و سطح واقعی جرم دارند. معماران، برنامه‌ریزان و مدیران مسکن باید با ساکنان و جوامع محلی همکاری کنند تا تصویری دقیق از آنچه در حال رخ دادن است ایجاد کنند و قبل از

اینکه بتوانند راه‌حلی ارائه کنند، تلاش کنند و علت وجود مشکلات را شناسایی کنند. قبل از سال ۱۹۸۰ بیشتر اطلاعات ما در مورد جرم و جنایت از آمار رسمی جنایات به دست می‌آمد که فقط شامل جرایمی بود که به پلیس گزارش و ثبت شده بود. باین‌حال، در سال‌های اخیر بررسی‌های محلی و ملی جرایم، میزان اطلاعات در دسترس را بسیار افزایش داده است. روی‌هم‌رفته، این بررسی‌ها نشان داده‌اند که جرم و جنایت گسترده‌تر از سوابق قبلی است: بیش از دوبرابر سرقت، پنج برابر مجروح شدن و ده برابر خرابکاری. باین‌حال، احتمال قربانی شدن ناچیز است.

به طور متوسط افراد هر ۲۰۰ سال یک‌بار قربانی دزدی (سرقت یا تلاش برای سرقت با تهدید یا اعمال زور واقعی)، هر ۱۰۰ سال یک‌بار دزدی از شخص (بدون تهدید یا اعمال زور واقعی) و هر ۷۰ سال یک‌بار زخمی می‌شوند. خانوارها احتمالاً فقط هر ۳۷ سال یک‌بار دزدی (با ضرر و خسارت)، سرقت وسایل نقلیه هر ۵۰ سال یک‌بار، سرقت از وسایل نقلیه موتوری هر ۹ سال یک‌بار و خرابکاری در هر ۶ سال یک‌بار را تجربه می‌کنند. بیشتر جرایم غیرخشونت‌آمیز است و شامل جرایم اموالی: معمولاً سرقت از وسایل نقلیه موتوری، خرابکاری و دزدی است. بسیاری از جرایم توسط جوانان انجام می‌شود و نیمی از جرایم ثبت شده توسط افراد زیر ۲۱ سال انجام می‌شود. نزدیک به دو سوم سرقت‌ها توسط افراد در این گروه سنی انجام می‌شود. اوج سن برای محکومیت مردان ۱۸ سال و برای زنان ۱۵ سال است. ۳۰ درصد از مردان قبل از تولد ۲۸ سالگی خود دارای محکومیت کیفری در پرونده خود هستند. قبل از سال ۱۹۸۸، اوج سن محکومیت مردان ۱۵ سال بود، اما استفاده فزاینده از احتیاط پلیس در مقابل اتهام، منجر به کاهش محکومیت نوجوانان شده است. جرم و جنایت به طور نابرابر در سراسر کشور و در سراسر جمعیت توزیع شده است و در مناطق داخلی شهری و در شهرک‌های مسکونی بزرگ متمرکز شده است. در این میان خانواده‌های کم‌درآمد هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند.

در برخی از املاک دارای جرایم بالا، از هر ۵ خانوار، یک نفر در سال قربانی سرقت می‌شود و از هر ۱۰ خانوار، یک عضو قربانی حمله می‌شود. کارگران غیرماهر دوبرابر بیشتر از کارگران حرفه‌ای در معرض سرقت قرار می‌گیرند. سیاه‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان و مستأجران بیشتر از صاحبان خانه قربانی جنایت می‌شوند. مردان جوان بیشتر قربانی تجاوز می‌شوند، اگرچه آنها کمترین ترس را دارند، درحالی‌که افراد مسن بیشترین ترس و کمترین احتمال قربانی شدن را دارند. هنگامی که تجاوز جنسی و خشونت خانگی موردتوجه قرار گیرد، زنان جوان بیشتر از مردان جوان قربانی می‌شوند. یک‌چهارم جرایم خشونت‌آمیز گزارش شده است. بیشتر خشونت خانگی علیه زنان و کودکان که صورت می‌گیرد بیشتر توسط حملات افرادی که در خانه می‌شناسند صورت می‌گیرد تا یک غریبه‌ای در خیابان وجود دارد. علی‌رغم این تصویر از جرم و جنایت به‌عنوان یک معضل شهری، نرخ جرم و جنایت در بخش‌های خاصی از حومه شهر با نرخی برابر یا حتی بیشتر از شهر در حال افزایش است.



بیشتر جرایم غیرخسونت آمیز است

بررسی‌ها نشان می‌دهد که توجیه قابل توجهی برای تمرکز توجه بر شهرک‌های درون شهری و برون شهری به‌ویژه در مناطق محروم وجود دارد. بااین حال، اشتباه است اگر فرض کنیم که جرم تنها ویژگی این مناطق است یا اینکه جرم در مناطق حومه شهر یا شهرها ناچیز است.

۱-۲ ترس از جرم و جنایت

این تنها جرم نیست که یک مشکل است، بلکه ترس از جرم می‌تواند تقریباً به همان اندازه عواقب جدی داشته باشد. چنین ترسی را نمی‌توان صرفاً به دلیل تحریف رسانه‌ای آمار جنایات غیرقابل اعتماد و تمرکز بر جنایات خشن، اما نادر، نادیده گرفت. برای بسیاری از مردم ترس از جرم حداقل تا حدی به تجربه خود آنها بستگی دارد، مانند مشاهده اعمال خرابکارانه یا شناختن شخصی که قربانی شده است. برای برخی، ترس از جرم نیز نشان‌دهنده احتمال بیشتر قربانی شدن است. زنان عموماً ترس بیشتری از جرم و جنایت دارند و همچنین از انواع خاصی از جرم‌ها مانند تجاوز جنسی، خسونت خانگی و سرقت خیابانی رنج می‌برند. جای تعجب نیست که در جایی که نرخ جرم و جنایت بالاترین است، مردم ترس بیشتری دارند. در بسیاری از نواحی درون شهری و در برخی از شهرک‌های خارج شهر، تعداد قابل توجهی از مردم (زنان، افراد مسن و به‌ویژه برخی از گروه‌های قومی) در وضعیت اضطراب قابل توجهی زندگی می‌کنند. ترس از جرم باعث می‌شود کسانی که می‌توانند از مناطقی که به‌عنوان مناطق مستعد جرم تلقی می‌شوند دور شوند و کسانی که نمی‌توانند به خانه‌های خود باقی می‌مانند. در نتیجه، کنترلی که خود جامعه می‌تواند بر رفتار ضداجتماعی یا جنایتکارانه کوچک اعمال کند کاهش می‌یابد.

دومین مطالعه جرایم *Islington* این استدلال را رد می‌کند که ترس از جرم و جنایت، خطرات واقعی را تا حد زیادی اغراق می‌کند. همچنین استدلال می‌کند که سطوح بالایی از ترس که توسط زنان تجربه می‌شود کاملاً منطقی است. این مطالعه نشان داد که ۷۴ درصد از زنان، در مقابل ۴۰ درصد از مردان، تقریباً یا اغلب در خانه می‌مانند. بیرون رفتن خانه تنها به‌عنوان شدیدترین نتیجه ترس از جرم ذکر می‌شود، رفتارهای دیگر شامل

اجتناب از گذر در برخی خیابان‌ها، مردم و وسایل حمل‌ونقل عمومی یا همیشه به همراه مرد بودن می‌توان اشاره کرد. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که ۲۶ درصد از زنان ۱۶ تا ۲۴ ساله، ۲۷ درصد از زنان ۲۵ تا ۵۴ ساله و ۶۸ درصد از زنان بالای ۵۵ سال هرگز به‌تنهایی بیرون نمی‌روند.

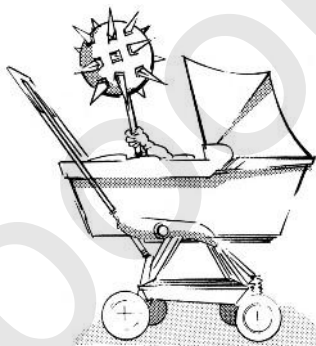
باوجود اینکه نسبت به گروه‌های دیگر در معرض خطر بسیار کمتری قرار دارد، ترس از جرم به‌ویژه در میان سالمندان شایع است. مشخص نیست که آیا این به این دلیل است که آنها خطرات خود را درک نمی‌کنند یا به این دلیل که عواقب قربانی شدن ممکن است به‌طور کلی برای آنها شدیدتر باشد. احتمال آسیب‌دیدگی، ناراحتی یا ناراحتی جدی آنها نسبت به افراد جوان بیشتر است (Clarke و همکاران، ۱۹۸۵). دلایل هر چه که باشد اغلب تأکید می‌شود که ترس از جرم، به‌خصوص برای افراد مسن‌تر، بیشتر از خود جرم مشکل‌ساز است. این ترس می‌تواند منجر به "حبس خانگی" خود تحمیلی شود که طعنه‌آمیز است؛ زیرا شواهد تحقیقات اخیر آسیب‌پذیری افراد مسن را در خانه‌های خود نشان می‌دهد (Jones، ۱۹۸۷). تحقیقات Clarke سه عامل اجتماعی تعیین‌کننده ترس از جرم را در میان سالمندان شناسایی کرد. اینها برداشت آنها از میزان جرم و جنایت، درجه انزوای اجتماعی و ماهیت محیط نزدیک آنها بود. Jones چهارمین مورد را اضافه می‌کند و استدلال می‌کند که تصور شخصی از خود نیز عامل مهمی است که بر ترس از جرم تأثیر می‌گذارد، زیرا این یک باور رایج است که افراد مسن که از طریق ضعف فیزیکی و انزوای اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند، قربانیان ایدئال می‌شوند. علاوه بر این، اکثر افراد مسن را زنان تشکیل می‌دهند، بنابراین نه‌تنها سن، بلکه کلیشه‌های جنسیتی در ایجاد این تصویر ضعیف نقش دارند، زیرا زنان در تمام زندگی خود این احساسات را داشته‌اند. در چنین موقعیتی آسیب‌پذیر، ترس ممکن است پاسخ مناسبی باشد و دانستن اینکه چگونه می‌توان آن را کاهش داد دشوار است. تحقیقات Jones نشان داد که وقتی از سالمندان در مورد گزینه‌های احتمالی برای افزایش امنیت محیطشان پرسیده شد، بیشتر افراد مسن طرفدار پلیس جامعه بودند، یعنی حصول اطمینان از حضور قابل‌مشاهده پلیس. Underwood (۱۹۸۴) پیشنهاد کرد که حضور زیاد پلیس بعید به نظر می‌رسد مؤثر باشد؛ زیرا جوانان ممکن است آن را به‌عنوان یک چالش ببینند و حتی ممکن است به‌عنوان تشویقی برای افزایش خرابکاری عمل کند. طراحی محیط ساخته شده به‌منظور به حداقل رساندن خطر جرم یکی دیگر از گزینه‌ها است.

اگرچه ترس اغلب نشان‌دهنده آسیب‌پذیری نسبت به جرم و جنایت است، ترس از حمله و سرقت حتی در برخی مناطق روستایی و شهرهای کوچک که سطح جرم و جنایت در آنها پایین است به یک مشکل جدی تبدیل شده است. چنین نگرانی‌هایی ممکن است به گزارش‌هایی از میزان جرائم شهری بالا مرتبط باشد که تصور می‌شود به طور محلی اعمال می‌شوند و تأکید زیادی بر جرائم خشونت‌آمیز و جنسی و گزارش‌های نادرست از جرم در روزنامه‌های محلی دارند.



بیشتر جرایم مربوط به جرایم اموال است.

میزان جنایتی که روی می‌دهد نباید اغراق شود و همچنین نباید تأثیر جنایت بر کسانی که به احتمال زیاد قربانی می‌شوند، دست‌کم گرفته شود. تجربه یا ترس از جرم و جنایت یک مشکل روزمره برای بسیاری از افراد است. باید با بسیج منابع مقامات محلی، خود جامعه و پلیس با آن برخورد کرد.



بسیاری از جنایات توسط جوانان انجام می‌شود.

۱-۳ تأثیر طراحی بر جنایت و جنایت

استدلال شده است که سه عنصر اساسی برای ارتکاب جرم برای شخص ضروری است: توانایی، فرصت و انگیزه. تأمین امنیت ساختمان از طریق تلاش‌های طراحی به جهت حذف یا کاهش توانایی و فرصت فرد مزاحم برای ارتکاب جرم است. این نیز به نوبه خود می‌تواند انگیزه جرم را کاهش دهد. Bennett و Wright (۱۹۸۴) با به دست آوردن دیدگاه‌های خود متخلفان، برخی از فرضیات زمینه‌ای پیشگیری از جرم موقعیتی و نظریه بازدارندگی را بررسی کردند. مطالعه آنها در مورد روش‌های سارقان بر اساس اطلاعات سارقانی بود که دستگیر شده بودند. اگرچه اعتبار چنین پاسخ‌هایی مشکوک است، زیرا اینها سارقان شکست خورده هستند و افراد موفق ممکن است روش‌های مختلفی داشته باشند، یافته‌های آنها با یافته‌های Jackson و Winchester (۱۹۸۲) از مطالعه آنها بر روی

قربانیان و غیر قربانیان سرقت در شهر کنت انگلستان مطابقت دارد. *Bennett* و *Wright* هیچ ارتباط روشنی بین محیط فیزیکی و میزان سرقت پیدا نکردند.

باین حال، آنها قابلیت نظارت و تصرف را به عنوان مهم ترین عوامل مؤثر در انتخاب اهداف سارقان شناسایی کردند. این با یافته های *Jackson* و *Winchester* مطابقت دارد. عوامل مؤثر بر قابلیت نظارت بر هدف شامل پوشش، حضور و نزدیکی همسایه ها، نادیده گرفتن ساختمان و اینکه آیا امکان دسترسی به درب پشتی می توان اشاره کرد. نشانه های خطر مربوط به اشغال ساختمان شامل این است که آیا ماشینی در گاراژ وجود داشته، چراغ روشن یا شواهدی دال بر حضور مانند نشانه هایی از وجود سگ یا دزدگیر در ساختمان، سهولت دسترسی تحت تأثیر قفل ها و طراحی نقاط ورودی بالقوه می توان اشاره کرد که مورد مطالعه قرار گرفته اند. این مطالعه نشان داد که بیشتر خانه ها به دلایلی مستقل از میزان امنیتشان هدف سرقت قرار می گیرند. اهداف تا حدی به دلیل پاداش بالقوه ای که ممکن است ارائه کنند و اشغال نبودن انتخاب شده اند، اما بیشتر به این دلیل که به راحتی می توان بدون دیده شدن سارق به آنها نزدیک شد. اهمیت این مفهوم طراحی برای بازدارندگی و نظارت طبیعی با جزئیات بیشتر در فصل های بعدی مورد توجه قرار می گیرد.

۱-۴ جابه جایی جنایت و جنایت

Bennett و *Wright* (۱۹۸۴) همچنین نشان دادند که سارقان به صورت اتفاقی به دنبال اهداف می گردند، انعطاف پذیر هستند و احتمال بیشتری دارد که جابه جا شوند (در صورت ممانعت از ورود به هدف مورد نظر به خانه دیگری جابه جا می شود)، تا مجرمانی که یک جنایت خاص را برنامه ریزی کرده اند. عواملی که بیشترین تأثیر را بر جابه جایی دارند، به «انعام» یا «سهولت ورود» مربوط نمی شوند، بلکه به «خطر گرفتار شدن» مربوط می شوند. مهم ترین عوامل خطر به عنوان قابلیت نظارت و اشغال ساختمان شناسایی شدند. *Bennett* و *Wright* خاطرنشان می کنند که این نتایج جدید نیستند (این اطلاعات قبلاً در دسترس بوده است): آنها تأکید می کنند که تنها شگفتی این است که از آن در برنامه های پیشگیری از جرم استفاده نشده است. خطر جابه جایی جنایت گاهی به عنوان توجیهی برای عدم رسیدگی به مشکل امنیتی یک ملک ارائه می شود. باین حال، تحقیقات *Allatt* (۱۹۸۴) نشان می دهد که جابه جایی لزوماً آن قدر که در ابتدا تصور می شد مشکل بزرگی نیست. *Allatt* از آمار پلیس و یک مطالعه دومرحله ای از مستأجران استفاده کرد تا تأثیر تکنیک های دشوار سازی هدف را بر بهبود امنیت مسکونی در کل یک املاک «سخت دسترسی پذیر» در نظر بگیرد. هر دو اثر در نرخ بالای دزدی در خود املاک و جابه جایی دزدی به دو محله مجاور و یا به دیگر جرائم مربوط به اموال در ملک، مورد بررسی قرار گرفتند. بر خلاف یک منطقه کنترلی که دزدی در آن افزایش یافت، تحقیقات *Allatt* نشان داد که سرقت به مدت تقریباً یک سال ادامه داشت